

امنیت ، ابعاد و ساز و کار های تامین آن در روایات

زهرا آرمان^۱

چکیده

امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در بسیاری از آیات و روایات به آن اشاره شده است که ریشه در ایمان معنوی دارد و از عوامل تاثیرگذار در رشد و تعالی افراد در هر زمینه ای می باشد. این پژوهش با هدف بررسی ابعاد امنیت و بیان راهکار هایی جهت تامین آن در تمامی عرصه ها می باشد. این مقاله با روش کتابخانه ای به مطالعه کتب مختلف با تکیه بر روایات پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که اصلی ترین سازوکار تامین امنیت در نظام اسلامی است و بر این اساس نظام نیز باید سعی کنید با تشویق حیات مومنانه و پشتیبانی از مومنین و تقابل با دشمنان اسلام و ایمان، امنیتی همه جانبه برای تمام جوامع فراهم سازد.

کلید واژه: امنیت ، ایمان ، معنوی

^۱ - سطح ۲ حوزوی ، مدرسه علمیه شهیده بنت الهدی

مقدمه:

امنیت یکی از اصول فردی و جمعی و زمینه ساز بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات و تکامل بشر است که یکی از مقدس‌ترین آرمان‌هاست و از سویی ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی کلیه ابعاد امنیت است و بین این ابعاد پیوند و توازن عمیقی برقرار است.

مسئله حائز اهمیت این است که یکی از مؤلفه‌های ناامنی در هر عرصه‌ای ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند ظلم کفر شرک و ... برمی‌گردد، حال آنکه مومن و صفات ایمانی اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت را می‌باشد.

باتوجه به اهمیت این موضوع در این پژوهش به دنبال مفهوم امنیت و اینکه وجود امنیت چطور می‌تواند انسان را در مسیر حیات معنوی‌اش یاری رساند و در ادامه به ابعاد و سازوکارهای تامین آن از منظر روایات پرداخته می‌شود.

ایمان یعنی باور توأم با عمل که برای انسان امنیت به ارمغان می‌آورد و نجات و سرفرازی انسان به ایمان بستگی دارد و تمام وعده‌های الهی به آن موقوف گشته است و این نشانه ارزش و اهمیت والای امنیت و قداست آن در تعالیم وحی و آیین اسلام می‌باشد.

در بسیاری از روایات به اهمیت امنیت در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی اشاره شده است که در این مقاله به بیان نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

هدف از این پژوهش بررسی نقش امنیت در ابعاد مختلف زندگی و ارائه طرحواره‌هایی برای تامین آن می‌باشد که حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی را دنبال میکند.

مفهوم شناسی

ریشه لغوی واژه امنیت از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف و فقدان خوف، دلهره و نگرانی تعریف شده است که شامل دو بعد ایجابی و سلبی می‌شود

در سخنان معصومین: مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد که در بخش ابعاد امنیت، بطور تفصیلی به آنها اشاره خواهد شد و در اینجا از باب شناخت اهمیت این موضوع چند نمونه ذکر می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه آله و سلم می فرماید: ^۲هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست . همچنین فرموده اند: امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند. ^۳در مورد اهمیت و جایگاه برجسته امنیت در اسلام، همین نکته کافی است که امنیت در روایت مشهوری در نهج البلاغه در زمره یکی از دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی شناسد، مگر این که به مصیبتی گرفتار شود: امنیت در این روایت شامل کلیه ابعاد این مفهوم می باشد.

در تمامی نهج البلاغه نیز مشهون از اشارات وافر امام علی علیه السلام در زمینه اهمیت امنیت است. حضرت امیر یکی از ویژگی های عصر جاهلیت را فقدان امنیت و پرفتنه بودن این دوران می داند؛ عصری که به تعبیر ایشان فتنه ها مردم را لگدمال و با سم های محکم خود نابودشان کرده بود. مردم حیران و سرگردان، بی خبر و فریب خورده، در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می کردند و خواب آنها بیداری و سرمه چشم آنها اشک بود. در چنین وضعیتی، اسلام با ماهیتی امنیت آور، توسط پیامبر نازل و معرفی شد. ^۴در این وضیت بود که خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگان قرار داد و برای امنیت از ترسها امام صادق زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده است: ^۵

پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است؛ عقل نابود می شود و مایه دل مشغولی می گردد اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است. ^۸در

^۲ - تنکابنی ۱۳۷۴، ۵۹

^۳ همان

^۴ - سید رضی، ۱۳۵۱: ۳۴-۳۷

^۵ - همان: ۱۴۶

^۶ - همان: ۴۹۴

^۷ - مجلسی، بی تا، ج ۷۸: ۱۷۱

^۸ - خمس خصالمن فقد منهن واحده لم یزل ناقص العیش، زائل العقل، مشغول القلب؛ فالأولها صحة البدن والثانية الامن و (مجلسی، بی تا، ج ۷۸: ۱۷۱)

روایتی در تحف العقول از امنیت در کنار عدالت و فراوانی به عنوان نیازهای مردم یاد شده است:
سه چیز است که همه ی مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی^۹

امام علی علیه السلام در بحث اهداف عالی عالیه حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت از سوی خویش را تامین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و حمایت از آنها بر می شمارد. همچنین در بیان نقش و اهمیت امنیت می فرماید: «رفاه زندگانی در امنیت است. هیچ نعمتی گوارا تر از امنیت وجود ندارد.»^{۱۰} در نامه پنجاه و سه (عهدنامه مالک اشتر)، صلح از آن جهت از سوی امام، مقدس و مطلوب به حساب آمده که راهی برای برقراری امنیت است: بَلَّهْ درستی که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تامین می گردد. در روایات اسلامی، یکی از اصلی ترین ویژگی های عصر آرمانی پس از ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برقراری امنیت است؛ به گونه ای که امام مهدی خود را مایه امنیت اهل گیتی می نامند:^{۱۱} به درستی که من مایه امان اهل زمین هستم؛ همچنان که ستارگان مایه امنیت اهل آسمانها می باشند. امام علی (علیه السلام) درباره ی ایمنی عصر ظهور و سرشماری آن دوره از امنیت فرموده اند: زمانی که قائم ما قیام کند به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان چنان که باید ببارد می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دلهای بندگان زدوده می شود و بین دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده راه خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید؛ ننه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.^{۱۲}

آنچه ذکر شد به خوبی بیانگر اهمیت امنیت و جایگاه رفیع آن در اسلام است و بدین لحاظ، امنیت باید در تمامی برنامه ریزی ها و راهبردهای مهم نظام اسلامی در مقامی مقدم و به عنوان وظیفه ای اساسی برای حکومت ها در نظر گرفته شود.

^۹ -ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۴

^{۱۰} -تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱۰۰: ۴

^{۱۱} -همان: ۴۳۵

^{۱۲} -سید رضی، ۱۳۵۱: ۴۲۴

^{۱۳} -مجلسی، بی تا، ج ۷۸: ۳۸۰

^{۱۴} -ابن شعبه الحرانی ۱۴۰۴ق: ۱۱۰

ابعاد امنیت

امنیت معنوی ایمان؛ سرچشمه اصلی امنیت

در فرهنگ اسلام که برگرفته از روایات معصومین است، مبنا و سرچشمه اصلی امنیت، ایمان الهی است که همه ابعاد وجودی انسان ها را پوشش می دهد و دنیا و آخرت را شامل می شود. در این فرهنگ، اساس بر امان الهی و ایمان و ایمنی از عذاب و قهر خداوند متعال است تا انسان به اعتقاد و اطمینان برسد و صاحب نفس مطمئنه گردد. امنیت اساسی که همان امنیت معنوی است با سکینه و دخول در دارالسلام امن الهی، احیای قلب، مبارزه با نفس و شهوات، سیر و سلوک الی الله و رسیدن به مدارج کمال، معرفت و شهود محاضر قدس میسر است. و در بعضی از روایات از ایمان به شمشیر همیشه آماده در آزمون دنیا تعبیر شده است.^{۱۵} از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده که مومن، مومن نامیده شده است، چون از خدا امان می خواهد و خدا به او امان نمی دهد.^{۱۶} امام علی (علیه السلام) نیز در فرازهای متعددی، امنیت اساسی و معنوی را میوه ایمان دانسته و آن را به افرادی که خداوند را ملجا و پناهگاه خود نموده اند، نوید می دهد: ای مردم! هر کس خدا را ناصح و خیرخواه خود قرار دهد موفق می شود و هر کس قول او را دلیل و راهنما قرار دهد، به استوارترین راه، هدایت خواهد شد کسی که خود را در پناه خداوند قرار دهد، در امنیت و آرامش خواهد بود و هر کس دشمن خدا باشد، خائف و هراسناک استان.

امیر مومنان، نتیجه ایمان پویندگان راه خدا و مومنین را احیای عقل و قلب و میراندن شهوات و دستیابی به امنیت و آرامش روح و جسم می داند. ایشان مسائلی مانند فقر، مرض و بیماری قلب را بزرگترین محرومیت ها می داند؛ همانگونه که بزرگترین دردهای باطنی انسان ها را کفر و شقاق و ضلال و نفاق می شمارد و این امر را از عوامل تهدید کننده و طمانینه نفس و امنیت روح و روان و جسم و جان انسان ها معرفی می کند.^{۱۷}

^{۱۵} - محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۹۹

^{۱۶} - مجلسی، بی تا، ج ۱۹۶: ۷۸ و ج ۶۷: ۶۰

^{۱۷} - همان، ۵۲۴

و بدترین شهرها و وطن‌ها، شهر و موطنی است که در آن، امنیت نباشد.^{۴۴} موضوع مهم دیگر در مبحث امنیت در نظام سیاسی، نقش اساسی امام و رهبر در حفظ وحدت جامعه و جلوگیری از آسیب‌پذیری آن از تفرقه و فروپاشی است. امام، اسوه ایمانی و الهی در روی زمین است و همان‌طور که گفته شد، ایمان نیز سرچشمه امنیت در تفکر اسلامی است. حضور امام و رهبر، محور اتحاد، وحدت و الفت جامعه و امت اسلامی است و این وحدت تفرقه‌ستیز نیز امنیت آور و ایجاد‌کننده سکینه و طمانینه سیاسی و اجتماعی است. امامت و رهبری از دید امام علی، نقش مستقیم و موثر در وحدت و یکپارچگی امت دارد، زیرا امتی که با داشتن هدف الهی در مسیر تکامل گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که خود، تبلوری از آرمان الهی و نیز مورد قبول و پذیرش و مقتدا و دلیل تحرک و پویایی باشد. امام در خطبه ۱۴۶ ضمن اشاره به سیاستی که زمامدار باید جهت حفظ نظام به کار گیرد، لزوم حکومت و نقش آن در وحدت امت را چنین بیان می‌فرماید:

جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهد افتاد و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهد شد.^{۴۵} امام با این تشبیه ساده بر این مطلب تاکید می‌کند که رسیدن به آرمان عالی وحدت امت، بستگی به وجود قیم و سرپرستی دارد که به دور از اختلاف‌نظرها و جدای از عوامل تفرقه و تبعیض، امت را در یک محور بنیادین گرد آورده، متشکل سازد و تشتت و تفرق که سبب آسیب‌پذیری و ناامنی است، مصونیت دهد. طبیعی است که چنین شرایطی در هر زمامداری وجود ندارد، بلکه در زمامداری صالح و عادل جمع می‌شود تا وی با توجه به رمز وحدت و با اهتمام به پر کردن شکافها از بین بردن تبعیض، زمینه ایجاد اتحاد و همبستگی امت را در پرتو مکتب توحید فراهم سازد و جامعه و افراد آن را به حیاتی طیب و حسنه در بهترین و ایمن‌ترین بلاد رهنمون سازد. این برداشت از امامت و همچنین تعامل آن با امنیت به نحو بسیار زیبایی در کلام معصومین آمده است. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ستارگان مایه امان اهل آسمانند و اهل بیت من، مایه امان اهل زمین. هنگامی که ستارگان بروند، بر سر آسمان آنچه که از آن اکراه دارد خواهد آمد و هنگامی که اهل بیت من نیز نباشد، اهل زمین

^{۴۴} - همان ج ۴، ۱۶۵-۱۷۱

^{۴۵} - سید رضی، ۱۳۵۱، ۱۹۸

دچار آنچه از آن اکراه دارند خواهد شد. منظور من از اهل بیت، امامانی است که خداوند - عز وجل - اطاعت از آنها را با اطاعت از خویش مقایسه کرده و مقارن اطاعت از خویش دانسته است.

امامان و یا اولوا الامر، معصومین و مطهرینی هستند که گناه و معصیت نمی کنند. آنان تایید شدگان موفق و راهنمایان راست قامتند. خداوند رزق و روزی بندگان را به واسطه آنها فرو می فرستد و بلادش را به واسطه ایشان آباد می سازد و باران را از آسمان توسط آنها نازل کرده و واسطه آنان برکت های زمین را آشکار و خارج می سازد. اگر خداوند به گناهکاران، مهلت داده است و در عقوبت و مجازاتشان به وسیله عذاب، عجله نمی کند، به خاطر آنهاست. نه روح القدس از آنها جدا می شود و نه ایشان از روح القدس جدا می گردند. بین قرآن با آنها و آنها با قرآن، مفارقتی نیست.^{۴۶}

در حوزه سیاست و مباحث مرتبط با امنیت، نمی توان از تعامل و موضوع عدالت با امنیت غافل شد و این نکته در بیان بسیاری از ائمه معصومین آمده است. امام علی علیه السلام، عدالت را رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت به شمار می آورد. آن حضرت عدل را رستگاری و کرامت، برترین فضایل بهترین خصلت، بالاترین موهبت الهی^{۴۷} قضیلت سلطان سپر و نگهدارنده دولتها، مایه اصلاح رعیت، باعث افزایش برکات، مایه حیات آدمی و حیات احکام و مانوس خلایق ذکر می نماید. همچنین ایشان حکومت را مشروط به عدالت گسترده دانسته و نظام آمریت را مبتنی بر عدل می دانند. این دیدگاه ملاکی برای حکمرانی و قوی ترین بنیان برای عدل است؛ بنیانی که قوام عالم به آن مبتنی است.^{۴۸} مسئله مهم در سیره امیرالمومنین علیه السلام این است که ایشان، هیچ وقت جهت حفظ امنیت و نظام سیاسی، از اجرای عدالت به نفع امنیت، عقب ننشسته اند؛ بلکه رعایت عدالت را ضامن امنیت و حفظ نظام و مایه روشنی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم دانسته اند. تحقیقا بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود، مگر به سلامت سینه هایشان به خالی بودن از کینه و بغض بغض حاکمان.^{۴۹} پس اگر زمامداران، عادل باشند قلبها به سوی آنان جذب می گردد و این خود

^{۴۶} -مجلسی، بی تا، ج ۲۳، ۱۹

^{۴۷} -قزوینی، ۱۳۷۱، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۲

^{۴۸} محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ۷۸، ۹۰

^{۴۹} -سید رضی، ۱۳۵۱، ۹۸۸

تضمین کننده استحکام ارکان دولت و پیوند آن به ملت است. عدل محوری نظام سیاسی باعث می شود که مردم برای رسیدن به آرمانها و خواسته های خود راه های منطقی را انتخاب و طی نمایند و در غیر این صورت، یاس از عدالت، انسان ها را به نیرنگ، سو استفاده و خلافتکاری و تضعیف اخلاق عمومی و از هم پاشیدگی اجتماعی می کشاند که خواه ناخواه نتیجه آن، تزلزل در امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت خواهد بود. از دید امام علی علیه السلام رعایت عدالت از سوی رهبران و کارگزاران نظام اسلامی در سطوح مختلف سامانه سیاسی، منتج به نتایج مثبت و فراوانی می گردد. این آثار برای رهبران عبارتند از: استقلال و توان نافذ شدن حکم ارزشمندی و بزرگ مقداری بی نیازی از یاران و اطرافیان (از جهت وابستگی به آنها مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکمرانی آنها بالا رفتن شان، عظمت و عزت ایشان.^{۵۰} امام علی علیه السلام معتقد است که هیچ چیزی مانند عدالت دولت ها را محافظت نمی کند و عدل، سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می گردد.^{۵۱}

اما مهمترین و فراگیرترین اثر عدالت، سازندگی و اصلاح جامعه است، چرا که عدل، سبب انتظام امور مردم و جامعه می شود و اجرای عدالت مخالفت ها را از بین می برد و دوستی و محبت ایجاد می نماید.^{۵۲} و هیچ چیز به اندازه عدالت نمی تواند مردم را اصلاح نماید.^{۵۳} همچنین عدالت در عمران و آبادانی کشور تاثیر بسزایی دارد.^{۵۴} اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم ستم، جای آن را خواهد گرفت و نتیجه ظلم، آوارگی و بدبختی و در نهایت خشونت خواهد بود. حضرت، خطاب به یکی از والیان خود میفرمایند: در کارها به عدالت رفتار کن واز ستم و بیداد پرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی و می دارد و بیدادگری شمشیر در میان آورد.^{۵۵}

^{۵۰} -تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۵، ۱۷۵، ۱۹۳، ۳۴۳، ۳۹۰، ۳۹۶

^{۵۱} -همان، ج ۵، ۷۰، ۳۵۵، وج ۲، ۶۲، ۱۷۸

^{۵۲} -قزوینی، ۱۳۷۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۰۱، ۱۷۵

^{۵۳} -تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۱۰۱

^{۵۴} -همان ۱۹۳

^{۵۵} سید رضی، ۱۳۵۱، ۱۳۰۴

نتیجه گیری

بنابراین از منظر امام علی علیه السلام، عدالت ورزی زمامداران باعث رفع خشونت گرایی و طغیان مردم علیه حکومت می گردد و اطمینان و آرامش و محبت به نظام سیاسی را به جای احساس یاس و سرخوردگی و تنفر از حکومت، در دل ایشان می نشاند و با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، وحدت عمومی و امنیت و ثبات واقعی در جامعه، جایگزین تشتت، تفرقه و ناامنی و بی ثباتی می گردد در همین زمینه حضرت فاطمه (س) می فرماید: خدای سبحان..... عدالت را به منظور تامین اطمینان و آرامش دلها لازم نمود و اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد و با امامت و رهبری، تفرقه آنها را رفع نمود و نیز عدالت در احکام را برای تامین انس و همبستگی و عدم اختلاف و پرهیز تفرقه قرار داد.^{۵۶}

ازسویی در روایات استبداد، تقلب و خودکامگی، منشا ناامنی، بروز اغتشاشات، بی ثباتی سیاسی - اجتماعی و از هم پاشیدن حکومت به شمار آمده است. از این رو، جهت اعمال بهینه قدرت سیاسی و دستیابی به آرمان های عالیه حکومت - و از جمله آنها امنیت برآورده ملاطفت آمیز و فارغ از خشونت و تقلب با مردم توصیه شده است. لذا در روایات، نهی شدیدی نسبت به استبداد ورزی و تاکید فراوانی در مورد رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت شده است. اگر عدالت، متعامل با امنیت است بدیهی است که ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی ثباتی است.

منابع

*قرآن مجید

*نهج البلاغه

- ۱- ابن سلامه القضاعی، ابوعبدالله محمد، دستور معالم الحکم و ماثور مکارم الشیم، بیروت، دارالکتوب العربی، ۱۴۰۱ ق.
- ۲- ابن شعبه الحرانی، ابو محمد، تحف العقول، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۳- اخوان کاظمی، بهرام، مفهوم امنیت و جایگاه آن در قرآن، فصلنامه مطالعات اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۷۵، بهار ۱۳۸۶.
- ۴- امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۵- ابن شعبه الحرانی، ابومحمد، تحف العقول، قم، موسسه النشر الاسلامی، سال ۱۴۰۴ ق
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، صادق حسن زاده، تهران، قائم آل محمد، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- ۷- تمیمی آمدی، کتاب غررالحکم و دررالکلم، سال ۱۳۶۰، جلد ۴، جلد ۱ و جلد ۵
- ۸- سید اجل شریف رضی، نهج البلاغه جلد ۷۸، ۱۳۵۴.
- ۹- مفاتیح الحیاه، عبدالله جوادی آملی، سال ۱۳۶۸.
- ۱۰- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۶۷، ۷۱ و ۷، ۱۳۵۱.
- ۱۱- محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دانشنامه حدیثی، ۵۶۴ عنوان دارد، سال ۱۴۰۴ ق، جلد اول.
- ۱۲- محمد بن سلیمان تنکابنی، سیری در نهج الفصاحه با تنظیم موضوعی احادیث و سفنان، سال ۱۳۸۴.